

واکاوی مولفه‌های پایداری اجتماعی در طراحی خانه‌های قاجاری (مورد پژوهشی: خانه‌های دبیرالملک، مومتن الاطبا و مهربان منش در حصارناصری تهران)

هانیه فدایی تمیجانی^{۱*}، مریم میرزایی^۲

۱. استادیار گروه معماری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

۲. مربی، گروه معماری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

DOI: 10.22034/mpsh.2026.570820.1080

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

چکیده

معماری مسکونی ایران در طول تاریخ بر پایه مجموعه‌ای از معیارها شکل گرفته که با اصول توسعه پایدار هم‌راستا بوده‌اند. در این میان، پایداری اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، نقشی اساسی در سازماندهی فضایی و روابط اجتماعی در خانه‌های سنتی ایرانی ایفا کرده است. با این حال، در معماری مسکونی معاصر، بسیاری از این مولفه‌ها کم‌رنگ یا حذف شده‌اند. هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در طراحی خانه‌های مسکونی تهران در دوره قاجار نحوه بازتاب آن‌ها در ساختار فضایی و کلبدی این خانه‌هاست. معماری دوره قاجار، به‌ویژه پس از دوران ناصرالدین‌شاه، دوره‌ای گذار میان سنت و مدرنیته به‌شمار می‌آید که در آن خانه‌های مسکونی ترکیبی از الگوهای معماری سنتی ایرانی و تأثیرات معماری غربی را نشان می‌دهند. روش پژوهش حاضر تحلیلی-تطبیقی و نمونه‌های مورد مطالعه شامل سه خانه قاجاری دبیرالملک، مومتن الاطبا و مهربان منش واقع در حصارناصری در منطقه دوازده شهر تهران می‌باشند. در این مقاله، پس از استخراج مؤلفه‌های پایداری اجتماعی از مبانی نظری، هر یک از بناها به‌صورت جداگانه تحلیل شده و سپس نتایج آن‌ها به‌طور تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی چون عدالت اجتماعی، تقویت تعاملات اجتماعی، انعطاف‌پذیری فضایی، حفظ حریم و امنیت اجتماعی، ایجاد حس آرامش و سرزندگی، ارتباط معنادار میان فضاهای خصوصی و جمعی و بهره‌گیری از مولفه‌های اقلیمی و کالبدی بستر نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری اجتماعی خانه‌های قاجاری داشته‌اند. در پایان، بر اساس یافته‌ها، راهبردها و پیشنهادهایی برای بهره‌گیری از این مؤلفه‌ها در طراحی مسکن معاصر ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: پایداری اجتماعی، خانه‌های قاجاری تهران، خانه دبیرالملک، خانه مومتن الاطبا، خانه مهربان منش.

dr.fadaie@iau.ac.ir

* نویسنده مسئول: هانیه فدایی تمیجانی

مقدمه

توسعه پایدار، توسعه‌ای کیفی است که بر توسعه مردم و برقراری عدالت بر شهرهای جاری و آینده تمرکز داشته و هدف از آن بالابردن سطح کیفیت زندگی برای آیندگان است (عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷). توسعه‌ای چند بعدی است که شامل ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی بوده و میزان موفقیت در دستیابی به توسعه پایدار شهری با میزان مشارکت شهروندان و کارایی مدیریت شهری ارتباط مستقیم دارد. از آنجا که هیچ فرهنگی بدون جامعه و هیچ جامعه‌ای بدون فرهنگ نمی‌تواند وجود داشته‌باشد (Haghi & Zabih, 2012)، با بررسی معماری ایرانی می‌توان دریافت که نمادهای ارزش‌های فرهنگی هر جامعه بویژه جامعه ایرانی در ساحت محیط مسکونی پیرامون آن تجلی یافته و این ساحت بیانگر هویت و ارزش‌های

فرهنگی و باورهای هر جامعه هست. رفتارهای اجتماعی روزانه که مبتنی بر تعامل میان انسان و محیط بوده به همراه هنجارهای اجتماعی - فرهنگی عامل موثری در شکل گیری معماری مسکونی است (دانش و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷۲).

در دوره معاصر، معماری مسکونی ایران با چالش های عمیقی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی مواجه شده است؛ چالش هایی که منجر به تضعیف روابط اجتماعی، کاهش حس تعلق به مکان، از میان رفتن حریم ها و کمرنگ شدن هویت فرهنگی در فضای سکونت شده اند. بخش قابل توجهی از این بحران را می توان ناشی از گسست میان الگوهای بومی سکونت و رویکردهای غالب در تولید مسکن معاصر دانست؛ رویکردهایی که اغلب بدون توجه به بستر فرهنگی، اجتماعی و تاریخی شکل گرفته اند. شواهد و مطالعات نشان می دهد آنچه معماری معاصر ایران را دچار سردرگمی نموده، جنبه فرهنگی و اجتماعی آن بوده و معماری معاصر ایران دچار بحران فرهنگی شده است (Moghaddam ziahari et al, 2023). این معضل بویژه در طراحی خانه های مسکونی که از مهمترین فضاهای معماری سنتی ایرانی بوده اند بسیار تاثیر گذار بوده است. تولید خانه مسکونی در دهه های اخیر در شهرهای بزرگ ایران و به تدریج در تمام رده های زیستگاه کشور، وضعیتی بحرانی پیدا کرده و این در شرایطی است که عوامل و متغیرها، انگیزه ها و ریشه های این بحران به درستی شناسایی نشده اند (فلامکی، ۱۳۸۹). در مقابل، معماری خانه های سنتی ایرانی، به ویژه در دوره قاجار، واجد نظامی منسجم از ارزش ها و مولفه های اجتماعی - فرهنگی بوده اند که در سازماندهی فضایی، سلسله مراتب فضایی، تعریف حریم ها و تقویت تعاملات اجتماعی و غیره تجلی یافته است. دوره قاجار به عنوان دوره ای گذار از سنت به مدرنیته، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که خانه های این دوره ضمن حفظ بسیاری از اصول معماری سنتی، تحت تاثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی و نفوذ اندیشه های غربی نیز قرار گرفته اند. از این رو خانه های این دوره خانه های تلفیقی نیز نامیده می شوند. خانه های سبک تلفیقی، در حقیقت خانه هایی سنتی بودند که طی جریان تاثیرپذیر از فرهنگ و هنر اروپا، برخی از اجزا، عناصر، تزئینات و نقوش معماری غربی را بکار گرفته و به خانه هایی با شیوه تلفیقی یا التقاطی تغییر می کردند (رمضان جماعت و نیستانی، ۱۳۸۹: ۶۹).

از آنجا که پایه و بنای ساخت خانه های سنتی ایرانی مقوله ای فرهنگی بوده و ارتباطی تنگاتنگ با اقلیم، سنت و همچنین مسایل فرهنگی و اجتماعی داشته و خانه به مثابه آینه ای تمام نما از فرهنگ جامعه بوده است (دانش و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷۸)، لذا دستیابی به ضوابط و مولفه های توسعه پایدار بویژه معیارهای پایداری اجتماعی می تواند راهکار مناسبی جهت برون رفت از این بحران باشد. به منظور دستیابی به ضوابط و معیارهای پایداری اجتماعی در معماری مسکونی، این پژوهش در صدد بازشناسی این ضوابط و معیارها در خانه های سنتی ایرانی است و بدین منظور خانه های مسکونی دوره قاجاری در منطقه داوزده در حصار ناصری شهر تهران، به عنوان نمونه های مورد مطالعه انتخاب شده اند. انتخاب این نمونه ها بدین علت است که دوره قاجار را می توان به مثابه پلی دانست که الگوی خانه را از شیوه سنتی به شیوه مدرن مرتبط نموده است (محمدیانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۵۱). به دیگر سخن، معماری دوره قاجار ضمن پابندی به سنت های ایرانی نگاهی نیز به دستاوردهای فنی و فرهنگی غربی داشته و تکوین و تحول معماری این دوره را می توان حاصل دو دسته از عوامل که شامل عوامل داخلی برگرفته از معماری سنتی ایرانی و عوامل خارجی وام گرفته از کشورهای بیگانه دانست (عزیزی و بهارلو، ۱۳۹۹: ۱۸۸). با این حال، مطالعات انجام شده عمدتاً به بررسی کالبدی یا تاریخی خانه های قاجاری پرداخته و تحلیل نظام مند مولفه های پایداری اجتماعی در این خانه ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، فقدان چارچوبی روشن برای بازشناسی و استخراج این مولفه ها، مانعی در مسیر بهره گیری از ظرفیت های معماری تاریخی در طراحی مسکن معاصر به شمار می آید.

هدف این پژوهش این است که با مطالعه تطبیقی خانه های قاجاری تهران، به بازشناسی مولفه های پایداری اجتماعی در این خانه های این دوره پرداخته و زمینه ای برای بازآفرینی این ارزش ها در معماری مسکونی امروز فراهم آورد. و در این راستا در پی

پاسخ به این پرسش است: "چه مولفه‌های پایداری اجتماعی در طراحی خانه‌های مسکونی تهران در دوره قاجار بکار گرفته شده‌اند؟"

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های صورت گرفته در مورد خانه سنتی ایرانی، رمضان جماعت و نیستانی (۱۳۸۹)، فضاهای ورودی خانه‌های سنتی دوره قاجار را مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که در این دوره، خانه‌ها دارای سبک‌های گوناگونی اعم از سنتی و مدرن غربی در فضاهای ورودی بوده‌اند. داعی پور (۱۳۹۳)، به چگونگی حضور طبیعت در خانه‌های سنتی ایرانی و تاثیر آن در افزایش حس تعلق به مکان پرداخته است. حیدری و همکارانش (۱۳۹۳) به مقایسه تطبیقی بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی معاصر پرداختند و نشان دادند که حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی بیش از مجتمع‌های مسکونی امروزی بوده و در ویژگی‌های شکلی و اندازه عناصر نمود می‌یابد. مغنی زاده ترشیزی و همکارانش (۱۳۹۹) با توجه به اهمیت تعاملات اجتماعی و ارتباط آن با شرایط کالبدی مسکونی، جایگاه تعاملات اجتماعی در خانه‌های سنتی کاشمر را مورد بررسی قرار داده‌اند. آهویی و همکارانش (۱۴۰۰) به منظور شناسایی مشکلات هویتی در خانه‌های معاصر، به بررسی و شناخت ساختارهای هویتی و عناصر کالبدی، فرهنگی و اجتماعی هویت ساز در خانه‌های سنتی ایرانی پرداختند. جلیل پور اقدم و همکارانش (۱۴۰۱) به بررسی تطبیقی شاخص‌های عدالت در خانه‌های سنتی و معاصر محله پامنار تهران پرداخته و از دیدگاه شهروندان اینگونه نتیجه‌گیری نموده‌اند که خانه‌های سنتی در مقایسه خانه‌های معاصر انطباق پذیری بیشتری با مفهوم عدالت دارند. ذاکرزاده و قربانی نیا (۱۴۰۱)، با مطالعه بر روی تزیینات خانه‌های قاجاری مشیرالدوله، موتمن الاطبا و اعلم السلطنه، تاثیر این تزیینات را بر حس تعلق مکان و هویت مخاطبان این خانه‌ها بررسی کرده‌اند. ناظری نایینی و همکارانش (۱۴۰۲) به شناسایی نقش کالبدی خانه‌های تاریخی اصفهان در ارتقای تعاملات اجتماعی مبادرت ورزیده و نشان دادند که عوامل کالبدی این خانه‌ها در سه بعد قابلیت بصری، بعد قابلیت فعالیتی و بعد قابلیت حسی - ادراکی در ارتقای تعاملات اجتماعی ساکنان سودمند می‌باشد. ربیعی و همکارانش (۱۴۰۲) به منظور ارائه راهکارهایی جهت باززنده سازی هویت ایرانی در خانه‌های معاصر، به بررسی ریشه‌های شکل دهنده هویت در خانه‌های تاریخی در شهرهای یزد، کاشان و شیراز پرداخته‌اند. محمدیانی و همکارانش (۱۴۰۲)، عوامل محیطی و فرهنگی در شکل‌گیری فرم و ساختار فضایی خانه‌های قاجاری شهر کرمانشاه را بررسی کرده‌اند و کوتی و همکارانش (۱۴۰۳)، به بررسی ساختار فضایی خانه‌های تهران در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی با محوریت ارزیابی سلسله مراتب دسترسی با توجه به حریم خصوصی خانه‌ها پرداخته‌اند.

پژوهش‌های فوق بیانگر این نکته هستند که به رغم مطالعات ارزشمندی که پیرامون خانه‌های سنتی ایرانی انجام شده است، تا کنون پژوهشی به طور مستقل خانه‌های دوره قاجار را از منظر پایداری اجتماعی بررسی نکرده است. به همین سبب، با توجه به اهمیت دوره مزبور که شرح آن رفت، بررسی خانه‌های سنتی قاجاری از این دیدگاه می‌تواند گامی موثر در ارائه راهبردهای پایداری اجتماعی در خانه‌های مسکونی معاصر باشد.

مبانی نظری

معرفی نمونه‌های انتخابی

خانه دبیرالملک

عمارت دبیرالملک متعلق به میراز حسن خان فراهانی ملقب به دبیرالملک منشی مخصوص امیرکبیر بوده است. این بنا در مرکز محله عودلاجان و خیابان امیرکبیر قرار دارد. پیشینه ساخت آن به اواسط دوره قاجار، دوره ناصرالدین شاه بازمی‌گردد. این خانه در اسفندماه ۱۳۸۳ در فهرست آثار میراث فرهنگی ثبت شده و تاکنون چند فیلم در آن کار شده است. در حال حاضر این

ملک توسط شهرداری منطقه خریداری شده و قصد شهرداری ایجاد فضای سبز در این بناست. معماری خانه مطابق معماری مرسوم دوره قاجار بوده است. پلان خانه مستطیلی شکل در جهت شمالی-جنوبی می باشد. بنا دارای حیاط های اندرونی و بیرونی، هشتی، ایوان، حوضخانه است. پلان خانه متقارن بوده که اتاق شاه نشین در میان بنا و دو اتاق بزرگ دیگر در دو طرف آن قرار داشته اند که با راهرو از یکدیگر جدا می شوند (دمیرچی محمودی و محسنی، ۱۴۰۳: ۸۱-۸۰).


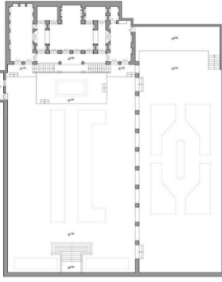
خانه موتمن الاطبا

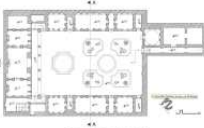

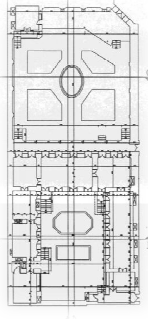

خانه موتمن الاطبا در سال ۱۲۶۲ هجری قمری در بخش مرکزی محله عودلاجان، محله پامنار بنا شده است. این خانه که متعلق به موتمن الاطبا پزشک ناصرالدین شاه بوده، در شکل اولیه ورودی در گوشه جنوب غربی بنا داشته که دارای عناصری همچون هشتی، دالان و دهلیز می باشد. خانه دارای حیاط مرکزی بوده و ساختمان به صورت دو طبقه بر روی زیرزمین احداث شده است. بخش جنوبی حیاط دارای فضاهای خدماتی بوده است. دو جبهه شرقی و غربی کاملاً مشابه و قرینه اند. این دو جبهه، در طبقات اول و دوم بر روی محور اصلی اتاق های پنج دری و در طرفین آنها اتاقهای سه دری قرار گرفته است (ذاکرزاده و قربانی نیا، ۱۴۰۱: ۱۳۸). این بنا در اسفندماه ۱۳۷۹ در فهرست میراث فرهنگی ثبت گردید و محل برگزاری برخی از فیلم های تاریخی می باشد.

خانه مهربان منش

خانه مهربان منش در محله عودلاجان، در خیابان امیرکبیر، کوچه محمودوزیر واقع شده است. در برخی اسناد مالک اولیه آن را محبعلی خان خلج معرفی کرده اند و برخی دیگر بنا را متعلق به زبیده خاتون یکی از همسران ناصرالدین شاه دانسته اند. این بنا پس از نقل و انتقال توسط خانواده مهربان منش خریداری شده و به عنوان موقوفه ای در اختیار موسسه کهریزک به منظور بسته بندی کمک های مردمی قرار گرفت. خانه مهربان منش در سال ۱۳۸۴ در فهرست آثار ملی ثبت شد. این خانه دارای سه در ورودی و سه میانسرا می باشد. قرارگیری بنا به صورت متقارن بر روی محور اصلی و تفکیک میانسراهای عمومی و خصوصی از جمله ویژگی های آن می باشد (iacoو.ir).

جدول ۲: توصیف و تشریح ویژگی های خانه های انتخابی

نام بنا	تصویر بنا	پلان بنا	تزیینات خاص	ویژگی های معماری سنتی	تاثیرپذیری از الگوهای غربی
خانه میرالدک			آجرکاری سنتی، گچبری ساده، تناسب متقارن	درون گرایی، حیاطهای اندرونی و بیرونی، فضاهای هشتی، دالان، پنج دری و تقارن جبهه های شرقی و غربی	قرارگیری پلکان دو سویه و سنتوری در ایوان جنوبی

	<p>تفکیک اندرونی و بیرونی، حیاط مرکزی، هشتی و دالان و...، تقارن در نماهای شرقی و غربی، اتاقهای پنج دری در محور اصلی و سه دری در طرفین</p>	<p>گنج‌بری ساده، در و پنجره‌های چوبی و ارسی</p>			<p>خانه مومتن الاطبا</p>
<p>بام شیبدار و پلکان دو طرفه در ایوان مقابل نما</p>	<p>دارا بودن میان سراهای خصوصی و عمومی، الگوی حیاط مرکزی، پلان متقارن، ایوان، شاه نشین</p>	<p>آجر کاری، کاشیکاری، گره چینی، گره چینی چوبی در سقف و گنج‌بری</p>			<p>خانه مهران مشین</p>

پایداری اجتماعی

طبق مصوبه کمیسیون بروتلند^۱، توسعه پایدار که نیازهای نسل حاضر را بدون آسیب رساندن به نیازهای نسل‌های آینده برآورده می‌کند که شامل ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی می‌باشد. در آغاز، جوامع پایدار تنها با مسائل زیست‌محیطی تعریف می‌شدند، اما مفهوم آنها با گذشت زمان تعالی یافته و ابعاد دیگر توسعه پایدار را نیز در بر گرفته است. (Kosanovic et al, 2014: 95). در پژوهش‌های انجام شده پیرامون پایداری اجتماعی، راپاپورت^۲ و گل^۳ بر تعاملات اجتماعی، پویایی فضایی، سرزندگی و مقیاس انسانی تأکید داشته (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶) و آلتمن^۴ امنیت، پویایی فضایی، تعاملات اجتماعی، خلوت، فضای شخصی و قلمرو را از اصول و ویژگی‌های پایداری اجتماعی می‌داند. به باور وی، عواملی مانند امنیت، ارتباطات اجتماعی، فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت به عنوان عوامل مؤثر بر بعد اجتماعی مسکن و ارتقای سطح تعاملات مردمی شناسایی شده‌اند (آلتمن، ۱۳۸۲). به باور صالحی مرزجانی و همکارانش، پایداری اجتماعی شرایط زندگی بهتری را فراهم می‌کند که در آن تعادل، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه یا شرایط لازم برای زندگی سالم، امنیت، آسایش، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی پدیدار می‌شود (صالحی مرزجانی و همکاران، ۱۴۰۱). از دیدگاه برخی پژوهشگران، پایداری اجتماعی معمولاً با چهار معیار کلیدی تعریف می‌شود: عدالت اجتماعی، همبستگی و مشارکت که فرهنگ جزئی از آن محسوب می‌شود (Rahimi & Shahamat, 2024: 488). از دیدگاه گروهی دیگر مولفه‌های کیفی دربرگیرنده عوامل اجتماعی، انعطاف‌پذیری، خوانایی و مشارکت و انتخاب، توجه به کیفیت فضا، ایجاد حس تعلق به مکان، امنیت اجتماعی، مطلوبیت محیطی و هماهنگی با محیط اطراف، معیارهای پایداری اجتماعی هستند (نصر و عمادی، ۱۴۰۰: ۷۴) و بعضی دیگر از اندیشمندان جوامع پایدار به لحاظ اجتماعی را جوامعی می‌دانند که در آنها محیط فیزیکی عاملی برای زندگی اجتماعی مشترک و ارتقای

¹ Brutland
² Rappaport
³ Gehl
⁴ Altman

کیفی و رفاه گروههای مختلف در نظر گرفته شود (Mehan & Soflaei, 2017: 295). اندیشمندی دیگر نیز بر این باورند که جنبه‌هایی مانند برابری، مشارکت و آگاهی از پایداری، رفتار و حفظ الگوهای اجتماعی را پوشش می‌دهد (Soini & Birkeland, 2014). پژوهشگرانی نیز به تعاملات اجتماعی، برابری اجتماعی و مشارکت افراد اشاره داشته‌اند (Ozel, 2023: 41) و گروهی دیگر، دارا بودن حس تعلق مکان در محیطی امن، از ویژگی های جوامع پایدار اجتماعی می‌دانند (Mohammad Alizadeh & Esbah Tuncay, 2019). در جدول شماره ۳، ضوابط و دیدگاههای این اندیشمندان به اختصار تبیین می‌گردد:

جدول ۳: مولفه ها و ویژگی های پایداری اجتماعی- فرهنگی بر پایه دیدگاههای اندیشمندان معاصر

پژوهشگر	سال پژوهش	دیدگاهها
۱	۱۹۸۱	تعاملات اجتماعی، پویایی فضا، سرزندگی، مقیاس اجتماعی
۲	۲۰۰۳/۱۳۸۲	امنیت، ارتباطات اجتماعی و فعالیت های داوطلبانه
۳	۲۰۱۴	تعاملات اجتماعی، امنیت، فعالیت های مشترک و داوطلبانه
۴	۲۰۱۷	تعاملات و رفاه اجتماعی
۵	۲۰۱۹	تعاملات اجتماعی، حس تعلق به مکان، عدالت اجتماعی و حس سرزندگی از مکان
۶	۲۰۲۱/۱۴۰۰	حس تعلق به مکان، امنیت، سرزندگی از محیط، خوانایی، هماهنگی با طبیعت، انعطاف پذیری و مشارکت شهروندان
۷	۲۰۲۲/۱۴۰۱	تعادل، امنیت، آسایش، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی شناسی
۸	۲۰۲۳	تعاملات اجتماعی، عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندان
۹	۲۰۲۴	عدالت اجتماعی، همبستگی، امنیت و مشارکت اجتماعی

پایداری اجتماعی در طراحی معماری

بر اساس جمع بندی مطالب گفته شده (جدول ۳)، مولفه ها و معیارهای پایداری اجتماعی به طور کلی شامل مواردی چون، عدالت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، مشارکت شهروندان، ایجاد حس آرامش و سرزندگی، حس تعلق به مکان، خوانایی، امنیت اجتماعی، بومی گرایی و هماهنگی با بستر و زمینه گرایی می باشد که در جدول ۴، راهبردهای طراحی مربوط به هر یک از این مولفه ها پیشنهاد می گردد:

جدول ۴: مولفه ها و راهبردهای پایداری فرهنگی در طراحی معماری

ضوابط و معیارها	راهبردهای مرتبط با پایداری در طراحی معماری
۱	عدالت اجتماعی
۲	تعاملات اجتماعی و مشارکت شهروندان
۳	ایجاد حس آرامش و سرزندگی
۴	حس تعلق به مکان
۵	خوانایی
۶	امنیت اجتماعی
۷	بومی گرایی
۸	هماهنگی با بستر و زمینه گرایی

روش پژوهش

روش پژوهش به کار گرفته شده در این مقاله، تحلیلی-تطبیقی بر پایه مقایسه تطبیقی میان مولفه‌های پایداری اجتماعی و سه خانه سنتی قاجاری انتخاب شده واقع در منطقه ۱۲ تهران می‌باشد که با توجه به پیشینه تاریخی منطقه ۱۲ تهران و اهمیت آن بویژه در دوره قاجار (انتخاب این منطقه از شهر به عنوان بخشی از دارالخلافه ناصری)، بناهایی برای مطالعه در نظر گرفته شدند که در این منطقه قرار گرفته باشند. روش انتخاب نمونه‌ها به صورت غیراحتمالی هدفمند بوده که به دنبال انتخاب تعداد کمی از نمونه‌هایی است که اطلاعات بسیاری را ارائه دهند. خانه‌های انتخابی در این مقاله شامل خانه‌های دبیرالملک، مومن الاطبا و مهربان منش متعلق به دوران قاجار می‌باشند. معیار این انتخاب این است که مطالعات نشان می‌دهند که معماری ایرانی دارای مسیر مشخص بوده که این روند دنباله دار در دوره قاجار به دلیل مراودات و نفوذ فرهنگ غربی دچار گسست شده است. به گونه‌ای که در اوایل این دوران تا اواسط دوره ناصری، درصد بسیاری از مولفه‌های کالبدی خانه‌ها راعناصر سنتی تشکیل داده‌اند، از اواسط دوره ناصری و در دوره پایانی قاجار با ادامه تاثیر از معماری غربی، زمینه ایجاد خانه‌هایی به سبک تلفیقی و به عبارتی دو قطبی شدن نسبت به سبک معماری سنتی فراهم شد (دانش و همکاران، ۱۴۰۱). دلیل دیگر در انتخاب این سه خانه این بود که خانه‌های انتخابی همگی از نظر کالبدی پابرجا با فضاهای معماری مشخص بوده و در فهرست میراث فرهنگی کشور ثبت شده‌اند (جدول ۱).

در این مقاله، پس از تبیین اصول پایداری اجتماعی، معیارها و پارامترهای پایداری اجتماعی در معماری و نمونه‌های انتخابی تحلیل و تشریح می‌شوند. در نهایت معیارها و مولفه‌های ذکر شده با ویژگی‌های معماری خانه‌های انتخاب شده مورد مقایسه تطبیقی قرار می‌گیرند. در این روش برای تحلیل نمونه‌های انتخابی و ارزیابی تطبیقی آنها با ضوابط پایداری اجتماعی از دو ابزار پژوهشی استفاده شده است. ابزار اول، مطالعه مطالب مربوط به سه خانه انتخابی بوده که این مطلب به صورت مفهومی تحلیل شدند. ابزار دوم، تحلیل بصری این خانه‌ها می‌باشد.

جدول ۱: نام‌ها و مشخصات خانه‌های انتخابی مورد مطالعه

نام بنا	دوره ساخت	کاربری کنونی	سبک بنا	مالک اولیه	مالک کنونی
خانه دبیرالملک	اواسط دوره قاجار (دوره ناصری)	بلااستفاده / در اختیار شهرداری	معماری سنتی قاجاری (درون‌گرا)	میرزا حسن خان فراهانی (دبیرالملک)	شهرداری تهران
خانه مومن الاطبا	۱۲۶۲ هـ (دوره ناصری)	فرهنگی / لوکیشن فیلم	معماری سنتی قاجاری	مومن الاطبا (پزشک ناصرالدین شاه)	سازمان میراث فرهنگی
خانه مهربان منش	اواخر قاجار	کاربری اداری (دفتر بافت تاریخی شهرداری منطقه ۱۲)	معماری سنتی قاجاری	مجبلی خان خلیج/خانواده مهربان منش	شهرداری تهران

بحث و یافته‌ها

تبیین مولفه‌های پایداری اجتماعی در خانه‌های سنتی ایرانی

عدالت اجتماعی

مفهوم عدالت فضایی در ضرورت رفتار یکسان با تمام ساکنان در آن محیط است. شهروندان عناصر اصلی توسعه پایدار و عدالت فضایی بشمار می‌روند و دارای حقوق مختلف از جمله حق مسکن مطلوب می‌باشند (عزیزی و مرادی، ۱۴۰۰: ۲۴۳). مسکن مطلوب، مسکنی است پاسخگویی نیازهای شهروندان را مکان پذیر سازد. کالبد بناهای مسکونی در گذشته در محله‌های قدیمی به گونه‌ای بوده که در پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی ساکنان از کارایی لازم برخوردار باشند و هماهنگی کامل بین ساختار معماری و زیربنای زندگی اجتماعی-اقتصادی خانوارها وجود داشت. بر پایه مطالعات و مصاحبه با شهروندان مناطق قدیمی تهران، از شاخصه‌های عدالت در بناهای مسکونی می‌توان آرامش، امنیت، توجه به حقوق فردی و همسایگی،

وحدت کالبدی، حریمیت، حق مالکیت و... را نام برد که از این میان اکثر شهروندان مواردی چون حق مالکیت، امنیت و حقوق فردی و همسایگی را اصلی ترین معیارهای عدالت اجتماعی معرفی کرده اند (جلیل پور اقدم و همکاران، ۱۴۰۱).

تعاملات اجتماعی و مشارکت شهروندان

تعامل مفهومی اصلی در جامعه شناسی است. وقتی شخصی واکنش دیگری را بر می انگیزد، تعامل شکل می گیرد. مولفه های موثر بر تعاملات به سه دسته دیداری، شنیداری و فیزیکی قابل تعمیم هستند (مغنی زاده ترشیزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۱). جامعه امروز دلیل افت مشارکت اجتماعی و تعامل شهروندان در دنیای معاصر را در طراحی تبعیض گونه محیط های معماری و شهرسازی دانسته و عدالت محوری در آفرینش فضاهای معماری و شهری را جایگزین مناسبی برای توسعه پایدار صرفاً اکولوژیک و نیز معماری بومی به شکل سنتی معرفی می کند (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۴). امکان پذیری تعاملات اجتماعی در خانه ها مزایایی چون ایجاد فرصت برای رهایی از تنش ها، خلق فضاهای پویا و سرزنده، کمک به یادگیری، رشد و انعطاف پذیری شخصیت، تشویق زندگی اجتماعی و شکل گیری هویت های فردی و اجتماعی ساکنان را دارد (نظری نایینی و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۸). عوامل متعدد و موثری در برقراری تعاملات اجتماعی در کالبد معماری موثر هستند که این عوامل را می توان به سه دسته قابلیت فعالیتی، قابلیت بصری و قابلیت ادراکی - معنایی تقسیم بندی نمود (نظری نایینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۲). در گذشته، سازماندهی فضایی خانه های ایرانی به گونه ای بوده که در عین حال که خلوت را تامین می کرده فضایی برای زندگی جمعی در نظر می گرفته است (ربیعی و همکاران، ۱۴۰۱). به طور کلی، از ویژگیهای کالبدی خانه های سنتی در برقراری تعاملات اجتماعی و مشارکت شهروندان می توان به مواردی چون ارتباط با فضای باز، وجود فضای باز حیاط مرکزی، شفافیت و تداوم فضایی توسط محورهای حرکتی، تنوع و انعطاف پذیری فضایی اشاره نمود (مغنی زاده ترشیزی و همکاران، ۱۳۹۹).

ایجاد حس آرامش و سرزندگی

برای ساکنان خانه ها، شرایطی چون سکوت و دوری از هیاهوی بیرون، امکان رسیدن به آرام و قرار فیزیکی و عمق بخشیدن به فضا حول یک چیز (مرکزگرایی) منجر به آرامش ذهنی در پی کاهش تنش های مزاحم و ایجاد تمرکز حواس در آنها می شود (سلیمانی و مندگاری، ۱۳۹۴: ۱۰۸). پژوهش ها حاکی از آن است که در خانه های مستقل حیاط دار، تامین عوامل ایجاد کننده آرامش حول محور ارتباط مستقیم با فضای باز می چرخد و از مولفه هایی چون ارتباط با خانواده، گذران اوقات فراغت و آسایش جمعی به صورت مستقیم تاثیر می پذیرد (اسلامی محمودآبادی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۶). حیاط و عناصر طبیعی در آن (آب و گیاه و...) فقط فضایی در حاشیه به منظور دسترسی یا خدمات رسانی نبوده، بلکه فضایی برای زیست بوده که موجب سرزندگی افراد در تماس با طبیعت می باشند (سلیمانی و مندگاری، ۱۳۹۴: ۱۰۳). وجود درختان و گیاهان (عناصر طبیعی) انسان را به آرامش و آسایش فکری می رساند و در ایجاد تعادل عصبی در انسان نقش عمده ای ایفا می کند. ارتباط میان انسان، معماری و طبیعت در خانه های ایرانی با ورود طبیعت به صحن خانه ها نمایان گردید. طبیعت موجود در حیاط خانه ها فضایی جهت تلطیف هوا و تنظیم کننده شرایط اقلیمی مناسب بوده و از طرفی ضامن زندگی کوچک و مانوس درونی در برابر فضای باز و ناامن بیرونی می باشد (بهزادپور و همکاران، ۱۳۹۶).

حس تعلق به مکان

حس متعلق یکی از عوامل مهم در ارزیابی ارتباط انسان-محیط و ایجاد محیط های انسانی با کیفیت می باشد. این سطح از معنای محیطی بیانگر نوعی ارتباط عمیق فرد با محیط بوده که به نوعی هم ذات پنداری بین خود و مکان احساس می کند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۴). حس تعلق ترکیب پیچیده ای از نمادها، معانی و کیفیت های محیطی است که عمدتاً بر پایه ارتباطات عاطفی فرد با محیط قرار دارد. متمایز شدن خصوصیات یک مکان از مکانی دیگر باعث می شود که افراد احساس کیفیاتی خاص در آن مکان کنند که به چنین احساسی حس تعلق به مکان گفته می شود (ذاکرزاده و قربانی نیا، ۱۴۰۱: ۱۳۵). این حس به پیوند فرد با یک مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از فضا می خواند. مطالعات نشان می دهد که حس تعلق به

مکان دربرگیرنده دو بعد اجتماعی و کالبدی می باشد که اولی، عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش های اجتماعی در محیط صورت می گیرد و دومی، برگرفته از عناصر و اجزای کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۲). وجود فضاهای همگانی و جمعی مانند حیاط مرکزی که شرح آن رفت، می تواند در برقراری تعاملات اجتماعی موثر باشند. از بعد کالبدی، اندیشمندانی چون الکساندر^۱، چرمایف^۲، اسپیرن^۳، بل^۴، شولتز^۵ و... حس تعلق به مکان و نیز حفظ طبیعت و هماهنگی با آن را لازم و ملزوم یکدیگر یافتند (داعی پور، ۱۳۹۳). از این رو ارتباط با طبیعت در قالب حیاط مرکزی در خانه های سنتی از عوامل اصلی در ایجاد حس تعلق مکان در این خانه ها بوده است. علاوه بر این، پژوهشی بر روی حس تعلق مکان در خانه های سنتی نشان می دهد که در خانه های سنتی به سبب وجود فضاهای معماری کارآمد و تزیینات زیبا و متناسب حس تعلق مکان نسبت به خانه های معاصر بیشتر است. این پژوهش حاکی از آن است که عوامل کالبدی نظیر شکل و اندازه عناصر ساختمان، روابط و چیدمان فضایی و بافت و تزیینات از عوامل اصلی در ایجاد حس تعلق به مکان می باشند که مولفه هایی مانند سلسله مراتب فضایی، نظم هندسی، تناسب، پرهیز از بیهودگی از عوامل کالبدی تاثیر گزار در برانگیختگی حس تعلق به مکان در ساکنان خانه ها می شده است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

خوانایی

مفهوم خوانایی نخستین بار توسط کوین لینچ^۶ مطرح شد که با تاکید بر کیفیت های بصری محیط، درجه خوانایی را قابلیت قابلیت کالبدی فضا از طریق ویژگی های کالبدی مانند شکل، رنگ و نظم می دانست که بتوانند تصویری مشخص با بافتی مستحکم از محیط در ذهن ناظر ایجاد کنند (نظیف و مطلبی، ۱۳۹۸: ۷۰). خوانایی به عنوان یکی از ارکان اصلی محیط های پاسخده همان کیفیتی است که موجب قابل درک شدن یک کل می شود و در دوسطح فرم کالبدی و الگوهای فعالیت اهمیت پیدا می کند (بمانیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۸). خوانایی فضا با تعابیری نظیر فضای ساده، منسجم، قابل فهم و درک و غیره تعریف می شود (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۷). مولفه های شکل دهنده خانه های ایرانی شامل خلوت، سلسله مراتب، فضاهای انعطاف پذیر و متنوع، رابطه با طبیعت و پیوند میان اعضای خانه بوده و در این میان سلسله مراتب که ارتباط عرصه ها و محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) تعریف می کند به دلیل حریم خانه از اهمیت ویژه ای برخوردار است (ریبیعی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۲۳) که این مولفه ها نشانگر خوانایی و ادراک خانه های ایرانی توسط ناظر می باشند.

امنیت اجتماعی

در خانه های مسکونی، امنیت روانی تحت شرایطی چون، کنترل دیدهای مزاحم، وجود فضاهای دنج، دسترسی های غیرمستقیم به حریم شخصی، تاکید بر مرزبندی و عرصه بندی فضاها و قابلیت تنظیم میزان محصوریت در فضا ایجاد شده که زمینه ساز آزادی عمل و استقلال فردی، کنترل روابط اجتماعی و در پی آن کنترل حریم شخصی و تطبیق محریمت متناسب با نیازهای خاص است (سلیمانی و مندگاری، ۱۳۹۴: ۱۰۳). عطف به مفاهیم معماری گذشته می توان دریافت که در آن معماری نیاز به تعاملات اجتماعی، ارتباط با هم نوعان، حفظ حریم ها و نیاز به خلوت در جای خود به خوبی پاسخ می گرفتند. به گونه ای که تامین و تعریف مناسب قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی، همراه با افزایش تعاملات اجتماعی مدنظر قرار داشتند. خلوت، قلمرو و یا حریم فضایی شخصی، اداراک راحتی و کیفیت محیط را تحت تاثیر قرار می دهد و نیاز به خلوت، فضای شخصی و قلمرو یابی در انسان عمومیت دارد و به ارضاهای نیازهایی چون امنیت و عزت نفس ربط دارد (ارژمند و خانی،

¹ Alexander

² Chermayeff

³ Sporn

⁴ Bell

⁵ Schultz

⁶ Kevin Lynch

۱۳۹۱: ۲۸). در میان فضاهای خانه های سنتی، حیاط مرکزی که نقش اصلی و مرکزیت خانه را ایفا می نموده و بخشی از فعالیت های همگانی در آن محیط انجام می گرفته که مجموع این فعالیت ها علاوه بر تعاملات اجتماعی ساکنان، باعث شناخت بهتر آنها در روابط همسایگی بوده که موجب حس امنیت و کاهش جرم و جنایت می شده است (بهزادپور و همکاران، ۱۳۹۶).

بومی گرایی

از ویژگی های مهم ساختمان های بومی این است که در آنها هیچ چیز اضافی وجود ندارد و راه حل ها، نتایج اساسی قرن ها تجربه هستند. معماری بومی را می توان با ویژگی هایی نظیر احترام به مردم و سکونت گاههای آنها و در نتیجه به کل محیط زیست طبیعی و انسان ساخت، متنوع با سبک مشخصی در نهایت هماهنگی با سایت و خرداقلیم ها توصیف کرد (نقوی و کیانی، ۱۳۹۸: ۷۸). با توجه به منابع مختلف، چهار عامل تعیین کننده معماری بومی رامی توان همان عوامل معماری پایدار یعنی طبیعت، جامعه، ساخت و الگو دانست. معماری بومی بر پایه پنج رویکرد مختلف تعریف می شود که شامل، رویکرد مبتنی بر مشارکت مردم، رویکرد مبتنی بر ساخت گرایی طبیعی (اتکا به مصالح طبیعی و شیوه های غیرفعال تنظیم شرایط محیطی)، رویکرد مبتنی بر الگوگرایی طبیعی (ارایه فرم های متناسب با اکولوژی با کمترین آسیب به طبیعت)، رویکرد مبتنی بر مطلق گرایی طبیعی (معماری بومی محصول محیط زیست و به عنوان بخشی از طبیعت) و رویکرد مبتنی بر کل گرایی (معماری یک پدیده کاملاً طبیعی و برآمده از امکانات محیط و ویژگی های طبیعت) می باشد (اکرمی و دامپار، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۲). در معماری سنتی ایرانی، این مشخصه در هماهنگی کامل با طبیعت و محیط زیست بر مبنای فرهنگ و هویت ملی و محلی شکل گرفته است. در این معماری فرم، مصالح و سازه بناها بر مبنای استفاده حداکثر از انرژی های تجدیدپذیر در نظر گرفته شده است (اریاب زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۲).

هماهنگی با بستر و زمینه گرایی

استیون هارت،^۱ زمینه گرایی را تلاشی برای رسیدن معماری و شهرسازی برگرفته از بستر می داند. جایی که در آن زمینه به هر دو بعد مصنوع و فرهنگی فرم معنا دهد. به عبارتی زمینه گرایی جهشی به سمت شکل گیری معماری و شهرسازی برگرفته از محیط می باشد (حاجی زاده علمداری، ۱۳۹۹: ۲۴۱). زمینه گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی است. در زمینه گرایی کالبدی، طراح نه تنها به خود شی بلکه رابطه متقابل آن با سایر اشیای موجود در زمینه را لحاظ می دارد. زیرا متعقد است که شکل بناها بر اشکال مجوار آن تاثیر می گذارد. در زمینه گرایی تاریخی، ویژگی های تاریخی در نظر گرفته می شود و به مکان و جوهره تاریخی آن توجه دارد، از این رو سنت را محترم می شمارد. زمینه گرایی اجتماعی، برای دریافت معنی به فرهنگ مراجعه می کند که به نوبه خود میان مردم مشترک است (تولایی، ۱۳۸۰: ۴۳-۴۲). از این رو طراحی ساختمان بنا بر ملاحظات اقلیمی بستر، تاثیرپذیری بنا از معمارس سنتی و مولفه های فرهنگی و هماهنگی بنا با شکل بناهای همجوار از جمله ویژگی های زمینه گرایی و هماهنگی با بستر در خانه های سنتی ایرانی می باشند. در جدول ۵، ضوابط و مولفه های پایداری اجتماعی در خانه های سنتی که شرح آن رفت به اختصار تبیین می شوند:

جدول ۵: ضوابط و مولفه های پایداری اجتماعی در خانه های سنتی

حس مالکیت	عدالت اجتماعی
حقوق همسایگی	
محرومیت	
عرصه فعالیت های جمعی (حیاط)	تعاملات اجتماعی و مشارکت افراد
ارتباط با فضای باز	
شفافیت و تداوم فضایی	
عناصر طبیعی (آب و گیاه)	حس آرامش و

¹ Steven Hurr

سرزندگی	
حس تعلق به مکان	وجود فضاهای همگانی و جمعی
	هماهنگی با طبیعت
	نظم و تناسب هندسی
خوانایی	سلسله مراتب فضایی
	داشتن فضاهای انعطاف پذیر
	ارتباط با طبیعت
امنیت اجتماعی	ایجاد حریم (محصوریت)
	ایجاد حریم (تفکیک عرصه های خصوصی و عمومی)
بومی گرایی	سازگاری با اقلیم و محیط زیست
	استفاده از مصالح بوم آورد
زمینه گرایی	هماهنگی کالبدی با بافت شهری
	توجه به ارزش های فرهنگی و سنتی در طراحی

بررسی مولفه‌های پایداری اجتماعی در خانه های انتخابی

مطابق با مندرجات جداول ۴ و ۵ (اصول و معیارهای پایداری اجتماعی در طراحی معماری و خانه های سنتی ایرانی)، در جداول ۶، ۷ و ۸ انطباق ویژگی های معماری خانه های انتخابی با ضوابط و معیارهای پایداری اجتماعی بررسی و تشریح می شوند. مطابق با این جداول، مربع های سیاه نشانگر انطباق در هر بنا با ضوابط پایداری اجتماعی و ضربدر انطباق نسبی با این ضوابط هستند:

جدول ۶: بررسی تطبیقی اصول پایداری اجتماعی در خانه دیبرالملک

توضیحات	انطباق پذیری	اصول و ضوابط پایداری اجتماعی در طراحی	
ایجاد حس تملک با تفکیک عرصه های خصوصی از عمومی	■	حس مالکیت	عدالت اجتماعی
		حقوق همسایگی	
		محرمیت	
درون گرایی و عدم اشراف به درون خانه	■		
درون گرایی و عدم اشراف به درون خانه و تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی	■		
امکان فعالیت های جمعی و خانوادگی در حیاط مرکزی	■	عرصه فعالیت های جمعی (حیاط)	بهره‌مندی اجتماعی
ارتباط با فضای باز (حیاط) از طریق هشتی، دالان و ایوان	■	ارتباط با فضاهای باز	
ارتباط فضاهای بسته با فضای باز (حیاط) از طریق فضاهای نیمه باز	■	شفافیت و تداوم فضایی	
افزایش حس سرزندگی با حیاط مرکزی با درختان و حوض آب	■	عناصر طبیعی (آب و گیاه)	حس آرامش
داشتن حیاط اندرونی و خصوصی	■	وجود فضاهای همگانی و جمعی	حس تعلق به مکان
استفاده از عناصر طبیعی (آب و گیاه) در حیاط مرکزی به مثابه اکوسیستم بسته، استفاده از مصالح بومی	■	هماهنگی با طبیعت	
سازماندهی پلان حول محور مرکزی و نظم هندسی متقارن در پلان و نمای اصلی	■	نظم و تناسب هندسی	
سلسله مراتب ورود به بنا (از هشتی تا اتاقها) ارتباط میان حیاط با اتاقها به ترتیب فضای باز، نیمه باز و بسته	■	سلسله مراتب فضایی	خوانایی

داشتن فضاهای چند منظوره مانند حیاط مرکزی و پنج دری	■	داشتن فضاهای انعطاف پذیر	
تعبیه فضای طبیعت(حیاط) در داخل بنا و ارتباط فضاهای خانه با آن	■	ارتباط با طبیعت	
درون گرایی بنا و ارتباط بنا با خارج تنها از طریق در اصلی	■	ایجاد حریم(محصوریت)	اهمیت اجتماعی
تفکیک اندرونی و بیرونی(تنها ارتباط با در اصلی)	■	ایجاد حریم(تفکیک عرصه های عمومی و خصوصی)	
درون گرایی ، استفاده از فضاهای زیر زمین، استفاده از پنجره های ارسی(کنترل نور...)، استفاده از ایوانهای وسیع	■	سازگاری با اقلیم و محیط زیست	گرای بومی
استفاده از مصالح بومی(آجر)	■	استفاده از مصالح بوم آورد	
برون گرایی و استفاده از مصالح آجری در هماهنگی با بافت قدیم منطقه	■	هماهنگی کالبدی با بافت شهری	زینیه گرای
بهره گیری از الگوهای معماری سنتی(درون گرایی و سلسله مراتب) ، بهره گیری از تزئینات ایرانی(آجر کاری، گچ بری) بجز مواردی چون سرستونها و ستوری	x	توجه به ارزش های فرهنگی و سنتی در طراحی	

جدول ۷: بررسی تطبیقی اصول پایداری اجتماعی در خانه موتمن الاطبا

توضیحات	انطباق پذیری	اصول و ضوابط پایداری اجتماعی در طراحی	
درون گرایی و دسترسی غیر مستقیم از بیرون به درون توسط هشتی و دالان	■	حس مالکیت	عدالت اجتماعی
درون گرایی و عدم اشراف به درون خانه	■	حقوق همسایگی	
درون گرایی و عدم اشراف به درون خانه و تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی	■	محرمیت	
امکان فعالیت های جمعی و خانوادگی در حیاط مرکزی	■	عرصه فعالیت های جمعی(حیاط)	بهره‌مندی اجتماعی
ارتباط با فضای باز(حیاط) از طریق هشتی، دالان و ایوان	■	ارتباط با فضاهای باز	
ارتباط فضاهای بسته با فضای باز (حیاط) از طریق فضاهای نیمه باز(ایوان)	■	شفافیت و تداوم فضایی	
افزایش حس سرزندگی با حیاط مرکزی با درختان و حوض آب	■	عناصر طبیعی(آب و گیاه)	حس آراستگی
داشتن حیاط مرکزی عرصه ای برای فعالیت های جمعی	■	وجود فضاهای همگانی و جمعی	حس تعلق به مکان
استفاده از عناصر طبیعی(آب و گیاه) در حیاط مرکزی به مثابه اکوسیستم بسته، استفاده از مصالح بومی	■	هماهنگی با طبیعت	
سازماندهی پلان حول محور مرکزی و نظم هندسی متقارن در پلان و نمای های شرقی و غربی حول یک محور	■	نظم و تناسب هندسی	
سلسله مراتب بصری و فضایی ورود به بنا(از هشتی تا اتاقها)ارتباط میان حیاط با اتاقها به ترتیب فضای باز، نیمه باز و بسته	■	سلسله مراتب فضایی	خوشنوی
داشتن فضاهای چند منظوره مانند حیاط مرکزی، اتاقهای پنج دری و سه دری	■	داشتن فضاهای انعطاف پذیر	
تعبیه فضای طبیعت(حیاط) در داخل بنا و ارتباط فضاهای خانه با آن	■	ارتباط با طبیعت	
درون گرایی بنا و ارتباط بنا با خارج تنها از طریق در اصلی	■	ایجاد حریم(محصوریت)	۴، ۷، ۱۰

تفکیک اندرونی و بیرونی (تنها ارتباط با در اصلی)	■	ایجاد حریم (تفکیک عرصه های عمومی و خصوصی)	
درون گرایی ، استفاده از فضاهای زیر زمین، استفاده از پنجره های ارسی (کنترل نور...)، استفاده از ایوانهای وسیع، قرار گیری بدنه اصلی و زیر زمین رو به جبهه آفتابگیر جنوبی	■	سازگاری با اقلیم و محیط زیست	بومی گرایی
استفاده از مصالح بومی (آجر)	■	استفاده از مصالح بوم آورد	
برون گرایی و استفاده از مصالح آجری در هماهنگی با بافت قدیم منطقه	■	هماهنگی کالبدی با بافت شهری	زمینه گرایی
بهره گیری از الگوهای معماری سنتی (درون گرایی و سلسله مراتب) ، بهره گیری از تزیینات ایرانی (آجرکاری، گچ بری)	■	توجه به ارزش های فرهنگی و سنتی در طراحی	

جدول ۸: بررسی تطبیقی اصول پایداری اجتماعی در خانه مهربان منش

توضیحات	انطباق پذیری	اصول و ضوابط پایداری اجتماعی در طراحی	
درون گرایی و دسترسی غیر مستقیم از بیرون به درون توسط دالان و حیاط	■	حس مالکیت	عدالت اجتماعی
درون گرایی و عدم اشراف به درون خانه	■	حقوق همسایگی	
درون گرایی و عدم اشراف به درون خانه و تفکیک میان سراهای عمومی و خصوصی	■	محرمیت	
امکان فعالیت های جمعی و خانوادگی در حیاط های عمومی و خصوصی	■	عرصه فعالیت های جمعی (حیاط)	فعالیت اجتماعی
ارتباط با فضای باز (حیاط) از طریق هشتی، دالان و ایوان	■	ارتباط با فضاهای باز	
ارتباط فضاهای بسته با فضای باز (حیاط) از طریق فضاهای نیمه باز (ایوان)	■	شفافیت و تداوم فضایی	
افزایش حس سرزندگی با حیاط مرکزی با درختان و حوض آب	■	عناصر طبیعی (آب و گیاه)	حس آرامش
داشتن حیاط های خصوصی و عمومی، عرصه ای برای فعالیت های خانوادگی و جمعی	■	وجود فضاهای همگانی و جمعی	حس تعلق به مکان
استفاده از عناصر طبیعی (آب و گیاه) در میان سراها	■	هماهنگی با طبیعت	
سازماندهی فضایی حول محور مرکزی، آرایش فضایی حیاط ها بسان الگوی چهارباغ ایرانی، پلان و نماهای متقارن	■	نظم و تناسب هندسی	
سلسله مراتب فضایی از فضاهای باز به نیمه باز و بسته (حیاط، ایوان و اتاقها)	■	سلسله مراتب فضایی	خونایی
داشتن فضاهای چند منظوره مانند حیاط مرکزی و ایوان	■	داشتن فضاهای انعطاف پذیر	
تبعیه فضای طبیعت (حیاط) در داخل بنا و ارتباط فضاهای خانه با آن	■	ارتباط با طبیعت	
درون گرایی بنا و ارتباط بنا با خارج تنها از طریق در اصلی	■	ایجاد حریم (محصوریت)	امینت اجتماعی
تفکیک فضاها و میان سراهای اندرونی و بیرونی	■	ایجاد حریم (تفکیک عرصه های عمومی و خصوصی)	

محسوریت حیاط در داخل بنا به مثابه باغ کوچک، استفاده از فضای زیرزمین، فضاهای نیمه باز ایوان	■	سازگاری با اقلیم و محیط زیست	سازگاری با اقلیم و محیط زیست
استفاده از مصالح بومی (آجر، سنگ و چوب)	■	استفاده از مصالح بوم آورد	
برون گرایی و استفاده از مصالح آجری در هماهنگی با بافت قدیم منطقه	■	هماهنگی کالبدی با بافت شهری	سازگاری با بافت شهری
بهره گیری از الگوهای معماری سنتی (درون گرایی، سلسله مراتب، چهارباغ ایرانی)، بهره گیری از تزیینات ایرانی (آجر کاری، کاشی کاری، گره چینی چوبی) بجز مواردی چون بام شیبدار و پلکان دوسویه	×	توجه به ارزش های فرهنگی و سنتی در طراحی	

نتیجه گیری

بررسی مولفه های پایداری اجتماعی بر روی خانه های قاجاری دبیرالملک، مومتن الاطبا و مهربان منش نشان می دهد که این خانه ها و اجد نظامی منسجم از مولفه های پایداری اجتماعی بوده اند که در سازماندهی و سلسله مراتب فضایی، الگوی کالبدی و الگوی سکونتی آنها متجلی شده اند. در پاسخ به پرسش این پژوهش باید اذعان داشت که در این خانه ها، مفاهیمی چون حریم، امنیت اجتماعی، مشارکت و تعاملات خانوادگی و اجتماعی، حس تعلق به مکان، حس آرامش و سرزندگی، بومی گرایی و هماهنگی با بستر، نه به صورت انتزاعی، بلکه در قالب ساختار فضایی و کالبدی بناها تحقق یافته است. بررسی تطبیقی نمونه ها نشان می دهد که در دوره قاجار، تغییراتی در الگوی طراحی و میزان تأثیرپذیری از معماری غربی رخ داده که این تأثیرپذیری بیشتر در قالب تزیینات صورت گرفته و اکثر اصول بنیادین پایداری اجتماعی همچنان در ساختار کالبدی خانه ها حفظ شده اند که بیانگر ظرفیت بالای معماری سنتی ایرانی در انطباق با تحولات اجتماعی بدون گسست هویتی است.

بر این اساس، راهبردهای زیر برای ارتقای پایداری اجتماعی در طراحی مسکن معاصر پیشنهاد می شود:

بازتعریف حیاط و فضاهای میانی به عنوان کانون تعاملات اجتماعی و تقویت حس تعلق به مکان

- ایجاد سلسله مراتب فضایی خوانا از فضای عمومی به خصوصی به منظور حفظ حریم و امنیت اجتماعی

- تقویت فضاهای نیمه باز به عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی کنترل شده

- توجه به انعطاف پذیری فضایی و امکان تطبیق خانه با نیازهای متغیر خانواده در طول زمان

- الهام از الگوهای بومی سکونت در کنار پاسخگویی به نیازهای معاصر

منابع

ارباب زاده، مرجان، اعتصام، ایرج، مفیدی شمیرانی، سید مجید. (۱۳۹۹). معماری بومی ایران در خوانشی نوین از دهه چهل خورشیدی تا کنون. باغ نظر، ۵۱-۶۴: (۸۶)۱۱.

ارژمند، محمود، خانی، سمیه. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره هفتم: ۲۷-۳۹.

اسلامی، لیدا، ماجدی، مید، اعتصام، ایرج. (۱۳۹۸). واکاوی منطق پنهان طراحی همه شمول در معماری بومی ایران با رویکرد پایداری، مطالعه موردی منطقه ۱۲ تهران (حصار صفوی). باغ نظر، شماره ۱۶: ۷۳-۸۷.

اسلامی محمودآبادی، مطهره. پیوسته گر، یعقوب، حیدری، علی اکبر. (۱۴۰۳). ارزیابی ابعاد مختلف شکل گیری آرامش در خانه های معاصر کرمان (خانه های آپارتمانی و مستقل حیاط دار). فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، شماره ۴۳، ۱۹-۱.

اکرمی، غلامرضا، دامیار، سجاد. (۱۳۹۶). رویکردی نو به معماری بومی در رابطه ی ساختاری آن با معماری پایدار. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۹-۴۰: (۱)۲۲.

آلتمن، ایروین. محیط و رفتار اجتماعی. نمازیان، ع (ترجمه). (۱۳۸۲). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- آهویی، صادق، احمدی دیسفانی، یدالله، کلانتری خلیل آباد، حسین. (۱۴۰۰). بازشناسی هویت خانه های سنتی ایرانی با تکیه بر عناصر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی هویت ساز. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۱): ۷۴-۹۱.
- بمانیان، محمدرضا، دهقان، نگار، زارع زهرا. یگانه، منصور (۱۴۰۰). تبیین رابطه خوانایی فضا با میزان رفتار قلمروپایی شهروندان در پارک های شهری. هویت شهر، ۱۵(۴۸): ۲۰-۵
- بهزادپور، محمد، گرچی مهبانی، یوسف، سهیلی، جمال الدین. (۱۳۹۶). بررسی نقش طبیعت بر حس شادابی ساکنین مجتمع های مسکونی (راهکارهای بهبود روابط همسایگی، نمونه های مورد بررسی مجتمع اکباتان در تهران و مجتمع مهرگان در قزوین). مدیریت شهری و روستایی، ۱۶(۲۸): ۳۷۶-۳۶۱.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۰). زمینه گرایی در شهرسازی. هنرهای زیبا، شماره ۱۰: ۴۳۴.
- جلیل پوراقدم، سینا، خوشنویس، احمد، خاک زند، مهدی، مسعودی نژاد، مصطفی. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی شاخص های عدالت در بناهای مسکونی سنتی و معاصر (نمونه مطالعاتی، محله پامنار تهران). مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۱۱(۱): ۹-۴۲.
- جوان فروزنده، علی، مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. هویت شهر، ۸(۵): ۳۷-۲۷.
- حاجی زاده علمداری، کوروش، اعتصام، ایرج، مختاباد امری، سید مصطفی. (۱۳۹۹). تحلیل شاخص های زمینه گرایی در آثار معماری سنتی ایران (نمونه مطالعاتی: خانه صادقی اردبیل). جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، ۱۰(۴): ۲۵۱-۲۳۵.
- حیدری، علی اکبر، مطلبی، قاسم، نگین تاجی، فروغ. (۱۳۹۳). تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه های سنتی و مجتمع های مسکونی امروزی. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۱۹(۳): ۸۶-۷۵.
- داعی پور، زینب. (۱۳۹۳). رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه های سنتی ایران. باغ نظر، ۱۱(۳۰): ۵۸-۴۹.
- دانش، جهان، موحد، خسرو، تقی پور، ملیحه. (۱۴۰۱). تبیین مولفه های الگوپذیری کالبدی فوتوتایپ در الگوی سکونتگاهی قاجار (مطالعه موردی: خانه های اعیانی تهران). نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸): ۳۰۲-۲۷۱.
- دمیرچی محمودی، نبوشا، محسنی، عبدالرضا. (۱۴۰۳). طراحی داخلی بنای دبیرالملک به منظور استفاده مجدد کانون کودکان کار کوشا. نشریه معماری و هنر پارس، شماره ۱: ۸۷-۷۱.
- ذاکرزاده، امیرحسین، قربانی نیا، انسیه. (۱۴۰۱). تزیینات خانه های دوره قاجاریه و تاثیر آن در ایجاد حس مکان (نمونه موردی: خانه های مشیرالدوله، مومن الاطبا و اعلم السلطنه-مطالعات میان فرهنگی، ۷(۱۲): ۱۵۴-۱۲۷.
- ریبعی، رسا، فلامکی، محمدمنصور، دیبا، داراب. (۱۴۰۱). بازشناسی مولفه های شکل دهنده هویت ایرانی- اسلامی در خانه های تاریخی ایران. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹): ۳۳۴-۳۱۹.
- رمضان جماعت، مینا، نیستانی، جواد. (۱۳۸۹). جلوه های سنت و تجدد در فضاهای ورودی خانه های تهران در دوره قاجار. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی؛ شماره ۴۴: ۷۵-۶۵
- سلیمانی، مریم، مندگاری، کاظم. (۱۳۹۴). بازشناسی اصول خانه های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای اساسی روانشناختی بر اساس تیوری برخاسته از زمینه. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۲۰(۴): ۱۰۹-۹۹.
- صالحی مرزيجرانی، محمد، تیموری، محمود، مهرجو، مهرداد. (۱۴۰۱). نقش کیفیت زندگی در دستیابی به اصول پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی غدیر اراک). معمارشهر، ۱۱(۱): ۱۳۸-۱۱۹.
- عبدالله زاده، سیده مهسا، ارژمند، محمود، امین پور، احمد. (۱۳۹۶). ابعاد پایداری اجتماعی در کالبد محله های سنتی ایران، نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز. معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۹: ۵۴-۳۵.
- عزیزی، حسن، بهارلو، علیرضا. (۱۳۹۹). خاستگاه و تحول نقش مایه شاخ فراوانی (کورنو کویپا) در هنر و معماری عصر قاجار. مطالعات معماری ایران، شماره ۱۸: ۱۹۸-۱۳۹۹.
- عزیزی، محمد مهدی، مرادی، محمد. (۱۴۰۰). عدالت فضایی در مسکن شهری، مورد مطالعاتی شهر اسلامشهر. معماری و شهرسازی آرمانشهر. شماره ۳۶: ۲۴۰-۲۵۵
- غفوریان میترا، افشین مهر، وحید، نوروزی زاده، زهرا. (۱۳۹۶). بازشناسی مولفه های اجتماعی موثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه های مسکونی (مطالعه موردی: محله اباذر، تهران). هویت شهر، ۱۱(۲): ۴۴-۳۱.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۹). گستره های معماری. تهران: انتشارات فضا.
- کوتی، جواهر، صابر نژاد، زاله، متین، مهرداد. (۱۴۰۳). بررسی ساختار خانه های فضایی تهران اواخر قاجار و پهلوی اول با معیارهای الگوی خانه ایرانی با تکیه بر سلسله مراتب دسترسی. باغ نظر، ۲۱(۱۳۳): ۵۶-۴۳.

- محمدیانی، شهرام، کریمی آذر، امیررضا، سلطانهزاده، حسین. (۱۴۰۱). نقش عوامل محیطی و فرهنگی در فرم و ساختار معماری بناهای مسکونی قاجاری. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۱): ۵۷۷-۵۵۴.
- مطلبی، قاسم، ضرغامی، اسماعیل، سعادت‌ی وقار، پوریا. (۱۳۹۷). نقش خوانایی فضای باز بر ایجاد تعاملات اجتماعی در مجموعه های مسکونی (نمونه موردی: مجموعه مسکونی سعیدیه همدان). معماری و شهرسازی ایران، ۹(۱۶): ۱۵۶-۱۳۹.
- مغنی زاده ترشیزی، مهدی، عبدمجبری، امین. (۱۳۹۹). واکاوی جایگاه تعاملات اجتماعی در ساختار فضایی خانه های سنتی (مطالعه موردی: شهرکاشمر). پژوهشنامه خراسان بزرگ، شماره ۴۰: ۹۷-۱۱۴.
- ناظری نایینی، پژمان، قاسمی سیجانی، مریم، افشاری، محسن، کشتی آرای، نرگس. (۱۴۰۲). بازشناسی نقش کالبد خانه های تاریخی اصفهان در ارتقای تعاملات اجتماعی ساکنان، با تکیه بر تجربه زیسته افراد. فصلنامه توسعه پایدار شهری، ۴(۱۳): ۴۱-۲۳.
- نصر، طاهره، عمادی، مریم. (۱۴۰۰). بررسی نقش شاخص های پایداری اجتماعی - فرهنگی در توسعه فضای عمومی شهرها (موردکاوی: پارک خلدبرین و خیابان باغ ارم - شهرشیراز). سیاست گذاری محیط شهری، ۱(۴): ۷۶-۵۷.
- نظیف، حسن، مطلبی، قاسم. (۱۳۹۸). آرایه مدل مفهومی از خوانایی با تکیه بر تصور ذهنی. باغ نظر، ۱۶(۷۸): ۷۶-۶۹.
- نقوی، پویان، کیانی، مصطفی. (۱۳۹۸). تبیین رابطه معماری بومی و زمینه گرایی. نشریه مرمت و معماری ایران، ۹(۱۸): ۸۹-۷۱.
- Haghi, H. & Zabihi, H. (2012). Social and Cultural Sustainability. *International Journal of Architecture and Urban Development (IJAUD)*, 4(2): 31-38.
<https://iaco.ir> (Retrieved: 20/1/2026).
- Kosanovik, S., Glazar, T., Stamenkovic, M., Folic, B. & Fikfak, A. (2018). About Socio-cultural Sustainability and Resilience. A. Fikfak, S. Kosanović, M. Konjar, & E. Anguillari (Ed).
- Mehan, A., & Soflaei, F. (2017). Social Sustainability in Urban Context: Concept, Definitions and Principles. The 10th EAAE-ARCC International Conference. Lisbon, Portugal: 293-300.
- Moghaddam Ziabari, S.A.; Rajabifar, B.; Mozaffari Ghadikolaei, F. (2023). Explaining the Role of Cultural and Social Factors in the Formation of Dominant Architectural Style of the Façade of Contemporary Residential Apartments of Sari City. *International Journal of Urban Management and Energy Sustainability (IJUMES)*. 4(4): 97-109.
- Mohammad Alizadeh, E. & Esbah Tunkay, H. (2019). Social Sustainability in Landscape Design Elements (Case Study: Istanbul Technical University Maslak Campus). *International Journal of Landscape Architecture Research*, 3 (1): 39-55.
- Ozel, B. (2023). A Framework for Impacts of Bio-architecture on Social Sustainability: Existing Situation and Possibilities. (Thesis for Master Program in Architecture). Graduate School, Izmir University of Economics.
- Rahimi, R. & Shahamat, H. (2024). Enhancing Social Sustainability in Public Spaces: An Evolution of Garden Halls in Ilam, Iran. *International Journal of Sustainable Building Technology and Urban Development*, 15 (4): 484-497.
- Soini, K.; Birkeland, I. (2014). Exploring the Scientific Discourse on Cultural Sustainability. *Geoforum*, (51): 213-223.